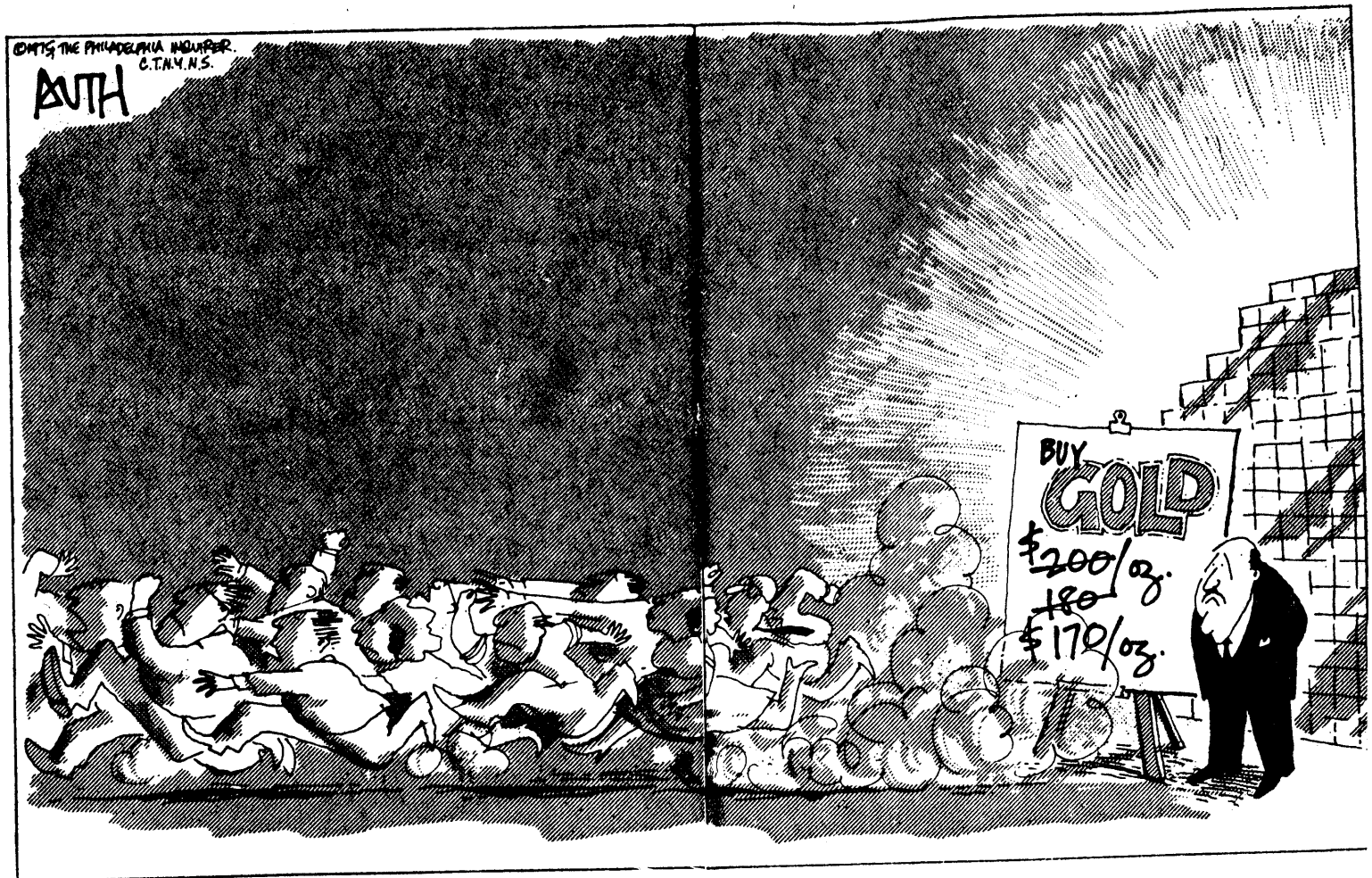


# تورم جهانی و بازتاب آن در اقتصاد ایران

دکتر ضیاءالدین هیئت

قسمت اول: تورم جهانی



## سابقه تورم در جهان و مفاهیم مختلف آن :

تورم در جهان پدیده تازه‌ای نیست و دارای سابقه طولانی می‌باشد ولی در زمانهای مختلف مفاهیم متفاوت داشته است. اولین مرتبه در نیمه دوم قرن ۱۹ این اصطلاح در مسائل پولی بمفهوم انتشار زیاده از حد اسکناس جهت تأمین هزینه‌های جنگ در کشورهای اروپا متداول گردید و تا جنگ اول جهانی اصطلاح مذکور برای نشان دادن انتشار اسکناس غیر قابل تبدیل به طلا و افزایش حجم پول در جریان بکار برده میشد و ارتباطی به افزایش قیمت‌ها نداشت زیرا در دوران مذکور در اکثر کشورها رژیم پولی « استاندارد طلا » برقرار بود و بطوریکه میدانیم در سیستم پولی فوق قیمت‌ها از ثبات نسبی و مداوم برخوردار می‌باشند. بعد از پایان جنگ اول جهانی سیستم استاندارد طلا متروک و در اکثر کشورهای اروپائی اسکناس غیر قابل تبدیل به طلا و پول اعتباری رواج یافت و بر حجم وسائیل پرداخت افزوده گردید و در نتیجه درپاره‌ی مواقع قیمت‌ها افزایش یافت و در این عصر اصطلاح تورم بمفهوم افزایش زیاده از حد وسائیل پرداخت اعم از پول فلزی و اسکناس و پول اعتباری نسبت به عرضه کالاها و خدمات بکار برده شد و عموماً اقتصاد دانان از جمله ریکاردو و ایروینگ فیشر افزایش قیمت‌ها را منحصرأ معلول افزایش حجم پول در جریان میدانستند. در اوائل قرن حاضر کارشناسان اقتصادی و پولی با بررسیهای دقیق و استفاده از آمار مدلل نمودند که اکثراً افزایش حجم پول علت ترقی قیمت‌ها نبوده و بلکه معلول آن است. بدین توضیح که عوامل مختلف ابتدا تقاضا برای کالاها و خدمات را افزایش داده و این امر سبب ترقی قیمت‌ها میگردد و سپس مقامات پولی برای تأمین وسائیل پرداخت کافی جهت انجام معاملات بطرق مختلف بر حجم پول در جریان بیافزایند.

در حال حاضر مفهوم تورم عبارت است از افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها و در این عقیده همه اتفاق نظر دارند ولی بین اقتصاد دانان درباره علل و نتایج تورم و طرق مقابله با آن اختلاف نظر وجود دارد.

بطور کلی میتوان گفت که تورم ذاتاً متغیر است و هر دفعه که ظاهر میشود از لحاظ علل و شدت و مدت با تورم‌های قبلی متفاوت میباشد.

در سالهای قبل از جنگ دوم جهانی اقتصاد کشورهای صنعتی جهان غرب معمولاً با یکی از دو وضع نامطلوب رکود و یا تورم روبرو بود. با تاکید بر این نکته که در این دوران نگرانی دولتها بیشتر از رکود بود تا تورم، زیرا رکود سبب افزایش تعداد بیکاران و کاهش سطح فعالیت اقتصادی و درآمدها و موجب

ورشکستگی بسیاری از موسسات اقتصادی صنعتی و بانکی می‌گشت، شدیدترین و بزرگترین رکود اقتصادی بحران سالهای ۱۹۲۹ الی ۱۹۳۱ بود که بدو در ممالک متحد آمریکا پدیدار گشت و سپس به سایر کشورها سرایت نمود و جنبه جهانی یافت. در اثر این بحران درآمد ملی آمریکا به حدود نصف تقلیل یافت و میزان بیکاری و ورشکستگی به مقیاسی فوق‌العاده و غیر قابل تحمل افزایش یافت و اختلالات و بی نظمی در کلیه شئون اقتصادی و اجتماعی ظاهر گشت، تخمین زده میشود خسارات وارده در اثر بحران مذکور به اقتصاد اتا زونی پیش از خسارات وارده بر آن در اثر جنگ اول جهانی بود.

اقتصادیون باتجزیه و تحلیل های علمی و بررسیهای دقیق کوشش بعمل آوردند تا علل بروز نوسانات اقتصادی اعم از رکود و تورم را کشف و راههایی برای مقابله با آن ارائه نمایند که در نتیجه موفقیت‌های شایان توجهی نصیب آنان گشت و دولتها نیز با استفاده از نظرات آنها که اقتصاددان مشهور انگلیسی لرد کینز در صدرشان قرار میگرفت سیاست‌هایی تنظیم و بموقع اجرا گذاشتند و در نتیجه اعمال این تدابیر از بروز و یا توسعه بحرانهای شدید جلوگیری بعمل آمد و در نتیجه، در اکثر کشورهای صنعتی جهان غرب رشد سریع مداوم و تأمین اشتغال کافی همراه با ثبات نسبی قیمت‌ها و تعادل اقتصادی حاصل آمد.

بر اساس روشهای پیشنهادی، معمولاً دولتها و مقامات پولی در مواقع بروز رکود، با انتخاب سیاست انبساطی پولی و افزایش اعتبارات و پائین آوردن نرخ بهره و کاهش مالیات و افزایش هزینه‌های جاری و عمرانی دولت، تقاضای عمومی برای مصرف کالاها و خدمات و سرمایه‌گذاری را افزایش میدادند و فعالیت اقتصادی را تشویق مینمودند. با اتخاذ این روش بتدریج رکود برطرف میشد و عوامل تولید با ظرفیت کامل اشتغال مییافت. در حالت تورم دولتها برعکس با اتخاذ سیاست انقباضی پولی و محدود کردن اعتبارات و بالابردن نرخ بهره و کاهش هزینه‌های دولت و افزایش مالیات‌ها تقاضای عمومی را تعدیل و از افزایش زیاد از حد فعالیت اقتصادی جلوگیری بعمل می‌آوردند و از این طریق تورم را متوقف مینمودند بدین سان بتدریج از دهه اول سالهای بعد از جنگ دوم برای مقابله با نوسانات شدید اقتصادی که همسان نوسانات پس از جنگ اول جهانی تصور میشد در اکثر کشورها سیاست‌هایی بنام سیاست‌های سنتی متداول گشت که مهمترین آنها عبارتست از: سیاست پولی - سیاست اعتباری - سیاست تعدیل نرخ ارزها - سیاست بودجه‌ای - سیاست مالیاتی و سیاست درآمدها و مزدها.

در ۲۰ سال اول بعد از جنگ دوم جهانی چون در اکثر

کشورهای صنعتی جهان آزاد برقراری اشتغال کامل و رشد سریع اقتصادی مهمترین هدفهای اقتصادی دولت‌ها را تشکیل میداد بدین جهت بطور مداوم هزینه‌های جاری و عمرانی دولت افزایش مییافت. از آن پس در کشورهای مذکور رکود شدید مانند رکود سالهای قبل پایدار نگشت ولی همه کشورهای مزبور کم و بیش دچار تورم مستمر گشتند و مرتباً از ارزش پول آنها کاسته شد.

رشد اقتصادی در کشورهای صنعتی جهان غرب که بزرگترین رونق اقتصادی در تاریخ جهان محسوب میشود بعد از جنگ دوم جهانی مدت ۲۵ سال دوام یافت و از برکت رونق مزبور تولیدات صنعتی جهان به سه برابر و نیم که بطور متوسط رشد سالانه ۵ درصد را نشان میدهد افزایش یافت. البته افزایش رشد صنعتی در کشورهای مختلف متفاوت بود. رشد کشور ژاپن دو برابر متوسط جهانی و رشد انگلستان نصف آن بود. ولی بطور کلی کلیه کشورهای صنعتی از رونق اقتصادی کافی برخوردار بودند و اشتغال کامل در همه آنها برقرار بود. بطوریکه هر کس تمایل بکار داشت میتواند به سهولت بکار مولد اشتغال یابد. بطور کلی میتوان گفت که افزایش فوق العاده سرمایه گذاری بلافاصله بعد از جنگ دوم جهانی بمنظور تجدید ساختمان اقتصادی کشورهای اروپائی و بالارفتن هزینه تسلیحات، بعلت وجود جنگ سرد و افزایش فوق العاده هزینه مصرفی و افزایش بودجه دولتها و سهم آنها در هزینه‌های عمومی، تقاضای کل را برای خرید کالاها و خدمات ترقی داد. عرضه کالاها و خدمات نیز با استفاده از نیروی انسانی بیکار در بخشهای تولید کشاورزی و بکار بردن تکنولوژی پیشرفته در بخشهای صنعت و کشاورزی و استفاده از نفت و مواد اساسی ارزان کشورهای در حال توسعه، متناسب افزایش تقاضا توسعه پیدا کرد و بدین طریق موجبات رونق اقتصادی درخشان و مداوم در کشورهای صنعتی غرب فراهم گردید. همچنین سیستم پولی بین‌المللی که بعد از جنگ دوم جهانی بر پایه طلا و دلار بنا نهاده شد، با فراهم کردن وسایل پرداخت و نقدینگی بین‌المللی کافی مبادلات جهانی را بطور فوق العاده افزایش داد، یکی دیگر از عوامل موثر در رشد اقتصادی بی سابقه این کشورها در این عصر محسوب میگردد.

### پیدایش تورم - رکود ( Stagflation )

بعد از تجدید ساختمان اقتصادی کشورهای اروپا در دهه ۱۹۵۰ از اواخر دهه مزبور در کشورهای صنعتی غرب یکنوع تورم جدید شناخته‌اند که همواره با رکود بود، بدین توضیح که اقتصاد کشورهای مذکور بطور مداوم دچار درصد معینی از تورم توأم با درصد معینی از بیکاری بود. این گونه تورم به تورم - رکود (Stagflation) موسوم گشت. در سابق تورم در

کشورهای صنعتی فقط در مواقع افزایش تقاضای عمومی بعلت بروز جنگ و با سرمایه گذاری زیاد از حد ظاهر میگشت ولی در ۲۰ سال اخیر حتی در مواقع ضعف تقاضا و رکود اقتصادی نیز تورم در اقتصاد کشورهای مزبور پدیدار میشود زیرا در حالت رونق اقتصادی افزایش تقاضا و در حالت رکود افزایش هزینه های تولیدی موجب ترقی قیمتها میشود.

اما راههای سنتی که در بالا به آن اشاره شد قادر به رفع این گونه تورم نیست زیرا سیاستهایی که برای رفع تورم مفید است رکورد را توسعه میدهد و سیاستهایی که ممکن است رکود را برطرف کند تورم را تشدید میکند در حالیکه اقتصاد کشورها در شرایط تورم - رکود بمانند شخصی است که در یک زمان دچار دونوع مرض به نحوی توأم گشته باشد که دواي تجویز شده برای یکی از دو مرض سبب تشدید مرض دیگر میشود از اینروست که در حال حاضر اقتصاددانان و مقامات دولتی قادر به مبارزه با تورم - رکود نبوده و در مقابل آن اظهار عجز و ناتوانی مینمایند و میکوشند با بررسی و تجزیه و تحلیل علمی راههای تازه برای مقابله با آن پیدا کنند.

تورم رکودی در سالهای ۷۰-۷۱ تشدید گردید و چون اعمال سیاستهای پولی و مالی بعلی که گفته شد موثر نبود دولتها ناچار به سیاست درآمدها و کنترل مستقیمزدها و قیمتها متوسل گردیدند و بکار بردن این روش مفید واقع شد و رونق اقتصادی مجدداً پدیدار گشت و اکثر کشورهای صنعتی جهان غرب در سالهای ۷۲-۷۳ مجدداً از رونق فوق العاده برخوردار گردیدند ولی بزودی بعلت افزایش قیمت مواد اساسی تورم تشدید گردید و بعلت نامساعد بودن شرایط جوی در برخی از کشورهای عمده تولیدکننده محصولات کشاورزی قیمت مواد غذائی نیز ترقی سریع یافت و فشار تورم موجب گردید که سیاست درآمدها و کنترلزدها و قیمتها با شکست مواجه گردد و در اواخر سال ۷۳ افزایش قیمت نفت نیز تورم را تشدید و کشورهای مورد بحث را دچار کسری شدید تر از پرداختها نموده و کشورهای صنعتی سرمایه‌داری برای جلوگیری از تورم لجام گسیخته ناچار سیاست پولی و مالی انقباضی اتخاذ نمودند و در نتیجه تورم تشدید و کشورهای مزبور بسرعت بسوی رکود اقتصادی گرایش پیدا کردند و در سال ۷۴ رشد اقتصادی در اکثر کشورهای مزبور به صفر رسید و به میزان بیکاری افزوده گردید و به ۷ درصد در سال که در ۲۰ سال اخیر سابقه نداشته است رسید در حالیکه در برخی از کشورهای مزبور درصد افزایش قیمتها با وجود رکود شدید متجاوز از ۲۰ درصد بود. کشور ژاپن که رشد اقتصادی آن در ۲۰ سال اخیر بعنوان معجزه تلقی میگردد در سال ۷۴

حدود ۳ در صد از محصول ناویژه آن کاسته شد و قیمتها نیز حدود ۲۵ در صد افزایش یافت. وضع سایر کشور نیز خیلی بهتر از کشور مزبور نبود.

**تشدید تورم - در سه سال گذشته :**

تورم در سالهای اخیر بقدری در جهان شدت یافته است که میتوان گفت امروز بصورت يك بلیه جهانی درآمده است. در دو سال گذشته افزایش قیمتها در کشور سوئیس که میان تمام کشورها به ثبات پولی معروف است ۱۲٪ و در کشور ژاپن که موفقیتش در زمینه اقتصادی در دوران بعد از جنگ دوم زبازند عموم بود و بعنوان معجزه اقتصادی تعبیر شده است ۲۳٪ میزان تورم در کشورهای اروپائی بطور متوسط بیش از ۱۰٪ در سال بوده است. اما در برخی از کشورهای امریکائی لاتین و کشور ویتنام در سالهای اخیر تورم بیش از ۵۰٪ در سال بوده است لکن تورم در ممالک متحد امریکا که میزان آن در دوران بعد از جنگ دوم خفیفتر از سایر کشورها بود و در سال از حداکثر ۲٪ تجاوز نمی کرد بعلت افزایش درآمدها (که میزان آن بیش از دو برابر قیمتها بوده است) ایجاد نگرانی برای مردم نمیکرد در ۱۲ ماه گذشته به میزانی بیش از ۱۰٪ در سال رسید و نیز پیش بینی میشود در سال جاری به حدود ۱۵٪ برسد.

در حال حاضر در ممالک متحد آمریکا تورم مانند رکود سطح زندگی مردم را کاهش میدهد مثلاً در سال گذشته باوجود افزایش فوق العاده مزدها درآمد حقیقی کارگران حدود ۴٪ کاهش یافت چنانکه به طور خلاصه میتوان گفت که امروز تورم در ممالک متحد امریکا بصورت يك مسئله سیاسی انفجار آمیز درآمده است و حتی مسئله واترگیت را که منبع بزرگترین بحران سیاسی در آمریکا بوده است تحت الشعاع قرار داده است.

آنچه در اتازونی در دو سال اخیر واقع شده است و در بالا به آن اشاره شد یکی از مظاهر و آثار نامطلوب تورم در جهان است و نیز وضع در سایر کشورها بهتر از ممالک متحده آمریکا نیست زیرا تورم مانند امراض واگیر از قبیل طاعون و وبا که از سرحدات يك کشور میگردد اقتصاد سایر کشورها را مبتلا میسازد تورم نه تنها از دیدگاه اقتصادی در سطح بین الملل حد و مرز نمی شناسد بلکه از عالم اقتصاد به سایر عوالم از جمله عالم سیاسی و اجتماعی رخنه میکند و اثرات ناگوار باقی میگذارد چنانکه ارزشها و ایده آلها را نیز متزلزل میسازد زیرا تورم به نفع ثروتمندان و بورس بازان و به ضرر زحمتکشان و طبقات کم درآمد است.

با ادامه تورم و اظهار عجز و ناتوانی دولتها برای مقابله با آن اعتماد عمومی به حکومتهای دموکراتیک متزلزل و محیط برای تغییرات شدید بسوی حکومتهای دیکتاتوری راست و یا

چپ آماده میشود بعنوان مثال میتوان گفت که یکی از علل عمده تغییر حکومتها در بریتانیا و آرژانتین و شیلی عدم توانائی آنها برای مقابله با تورم بوده است. همچنین تورم در سال گذشته در ممالک متحده آمریکا و هند واتیوپی سبب بروز اعتصابات و اغتشاشات شدید شده است.

**علل تشدید تورم - رکودی در سالهای اخیر :**

پاره ای از علل تورم شدید جهانی در سالهای اخیر جنبه موقت دارد و برخی دیگر بلند مدت است که ذیلاً هر دو گروه علل یاد شده را بررسی میکنیم :

**یکم علل کوتاه مدت :** یکی از موجبات افزایش فوق العاده بهای محصولات غذائی در دو سال گذشته نامساعد بودن شرایط جوی در برخی از کشورها بوده است چنانکه کمبود محصول غلات در اتحاد جماهیر شوروی سبب گشت که این کشور حدود ۲۵ میلیون تن گندم از ممالک متحده آمریکا خریداری نماید که در نتیجه ذخایر گندم ممالک متحده آمریکا و سایر کشورهای عمده صادر کننده گندم فوق العاده کاهش یافت و قیمت گندم در ظرف يك سال ۸۰٪ ترقی کرد. بحران انرژی و محدود شدن تولید نفت و افزایش بهای آن نیز یکی از علل عمده افزایش قیمتها در سال گذشته بوده است.

**دوم . علل بلند مدت :** عوامل اصلی که موجب افزایش قیمتها در سال های اخیر گشته است علل بلند مدتی است که بنظر میرسد در سالهای آینده نیز وجود خواهد داشت و ما ذیلاً باختصار مهمترین آنها را مورد بررسی قرار میدهیم :

۱ - تورم ناشی از افزایش هزینهها (cost push inflation) تورم ممکن است از افزایش تقاضا و یا هزینهها ناشی گردد.

هرگاه افزایش تقاضای عمومی برای کالاها و خدمات از طریق افزایش هزینههای مصرف و سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولت بمیزان زیادتر از افزایش عرضه کالا و خدمات سبب بالا رفتن قیمتها گردد تورم حاصله را تورم ناشی از تقاضا (demand push inflation) مینامند. در سالهای قبل اکثر تورمها ناشی از افزایش تقاضا بوده است ولی تورم کنونی در کشورهای صنعتی جهان غرب ناشی از بالا رفتن مداوم هزینه است و از این رو آنرا تورم ناشی از هزینهها (cost push inflation) مینامند. اختلاف اصلی این نوع تورم با تورم تقاضا این است که باوجود موجود بودن مقدار قابل ملاحظه ظرفیت تولیدی استفاده نشده و نیروی انسانی بیکار قبل از اینکه اقتصاد به سطح اشتغال کامل برسد قیمتها و مزدها افزایش یافته و اقتصاد کشور هم زمان دچار وضع رکود و تورم میگردد که آنرا اصطلاحاً تورم رکودی (stagflation) مینامند.

حالت تورم رکودی تحول تدریجی بوده و در سالهای

اخیر بشرح زیر در اقتصاد کشورهای صنعتی پدیدار گردیده است در کشورهای مورد بحث کارگران بوسیله اتحادیه‌های نیرومند خود بیش از افزایش بازده کار اضافه‌مزد مطالبه میکنند و مدیران موسسات نیز بدون مقاومت با آن موافقت مینمایند زیرا آنها بدون اینکه از سهم خود بکاهند با افزایش قیمت محصولات خود آنرا بمصرف کننده منتقل میسازند و ابتدا نگرانی از عدم فروش فرآورده‌های گران قیمت خود ندارند زیرا آنها میدانند که دولتها برای جلوگیری از بروز بیکاری شدید تقاضای کافی برای محصولات مذکور را از طریق افزایش حجم پول و هزینه‌های دولتی بوجود خواهند آورد. ضمناً باید یادآور شد که فقط کارگران نیستند که مطالبه مزد زیادتر از بازده کار را مینمایند بلکه عرضه‌کنندگان کلیه عوامل تولید و کالاها و خدمات اعم از بخش دولتی و بخش خصوصی در کلیه مراحل تولید و توزیع تقاضای اضافه درآمد بیش از افزایش بهره‌وری دارند و بطور خلاصه افراد جامعه کوشش مینمایند بیش از ۱۰۰ درصد درآمد ملی درآمد تحصیل کنند و از اینراه تورم هزینه‌ها در جامعه بوجود می‌آید که آنرا Gerner یکی از اقتصاددانان معروف بنام تورم فروشندگان Sellers inflation نامیده است.

اختلاف عمده که اقتصاد امروز با گذشته دارد این است که در حال حاضر در کشورهای که دارای رژیم اقتصاد آزاد میباشند بازار رقابت آزاد در هیچکدام از مراحل تولید و توزیع وجود ندارد و قیمتها و مردها با عرضه و تقاضا تعیین نمیشود بلکه این اتحادیه‌های نیرومند کارگران و کشاورزان و موسسات صنعتی انحصاری و الیگوپولی و چند ملیتی میباشند که بدون توجه بسطح اشتغال میزان مردها و قیمتها را تعیین میکنند. بدین توضیح که هرگاه فرض شود بازده تولید در کشوری سالانه ۳ در صد و مردها بطور متوسط ۸ در صد افزایش یابد، مدیران موسسات قیمتها را طوری تعیین میکنند که سهم سود آنها (مثلاً یک ربع) ثابت بماند و در نتیجه با وجود رکود قیمتها ۵ درصد افزایش خواهد یافت و هرگاه دولت بخواهد برای جلوگیری از افزایش قیمتها تقاضای کل را ثابت نگهدارد سالانه تولید ۸ درصد کاهش یافته و بر میزان بیکاری افزوده خواهد شد و به‌سطحی خواهد رسید که برای جامعه غیر قابل قبول باشد و در آن صورت مقامات پولی و دولت ناچاراً سیاست انبساطی پولی و مالی انتخاب خواهند کرد و در نتیجه تورم تشدید خواهد گردید. بطوریکه ملاحظه میشود در این صورت عامل تعیین کننده افزایش مردها و سایر هزینه‌ها و بالا رفتن بهره‌وری تولید خواهد بود، نه افزایش تقاضا. پرفسور فیلیپ استاد دانشکده اقتصاد لندن با ترسیم منحنی که بنام منحنی فیلیپس معروف شد است بخوبی توانسته است ارتباط بین بیکاری و تورم و افزایش

بازده کار و مردها و قیمتها را نشان دهد.

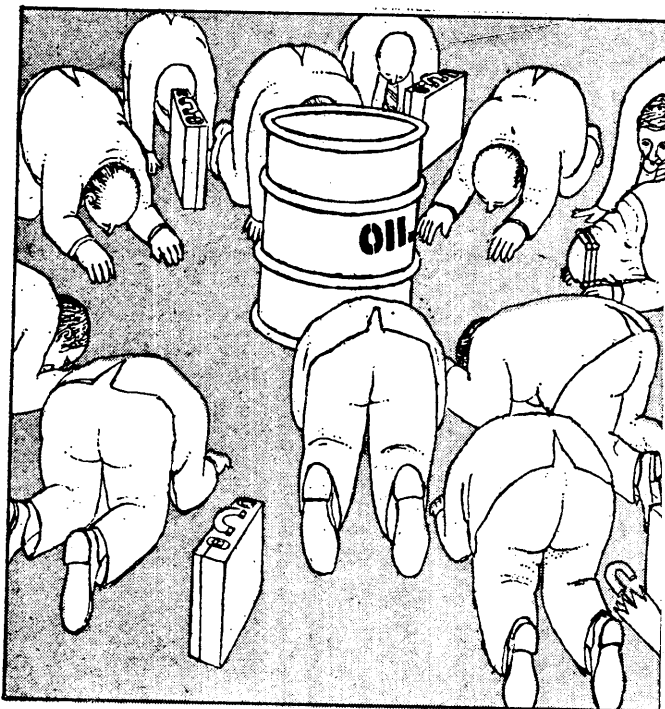
## ۴ - تقایص موجود در بازار اشتغال در کشورهای جهان غرب.

در ممالک صنعتی سرمایه‌داری عموماً دولتها سعی دارند با افزایش تقاضا اشتغال کامل را تأمین و رشد اقتصادی را تسریع نمایند ولی بطوریکه تجربه نشان میدهد با افزایش سطح تقاضای عمومی اشتغال کامل در همه رشته‌های اقتصادی در یک زمان برقرار نمیشود. بدین توضیح در برخی از بخشهای اقتصادی که عرضه دارای کشش کافی نیست تنگنانهایی از قبیل کمبود افراد متخصص و کارگران با مهارت بوجود می‌آید و این امر سبب بالا رفتن مردها و قیمتها در بخشهای مزبور میشود و سپس افزایش مردها و قیمتها از رشته‌های مزبور بسایر رشته‌های مزبور که در حال رکود هستند سرایت میکند و در نتیجه قبل از اینکه رکود مرتفع و اشتغال کامل در کلیه رشته‌ها برقرار شود تورم پدیدار میشود. وقتی در برخی از موسسات بعلت برخورداری از رونق و داشتن سود زیاد حقوق‌ها و مردها افزایش مییابد در سایر موسسات که در حال رکود هستند نیز تقاضا برای افزایش دستمزد و حقوق تشدید میشود زیرا در وجدان و ذهن افراد یک کشور یکنوع سلسله مراتب حقوق و مزد وجود دارد که بنای آن اصل مزد مساوی برای کار مساوی است. بنابراین میتوان گفت که یکی از ریشه‌های اصلی - تورم تحریک بطنی نیروی کار از رشته‌های دچار رکود برشته‌هایی است که از رونق اقتصادی برخوردارند. برای حل این مشکل بایستی از سیاست صحیح اشتغال مبتنی بر بهبود وضع بازار کار، بازگاردن در بهای امکانات کار برای عموم، رفع تنگناها و کمبودها از طریق تنظیم برنامه صحیح، تربیت افراد متخصص و کارگران ماهر استفاده شود تا بدین سان تورم ناشی از وجود نقائص در بازار اشتغال برطرف شود.

۳ - رشد نامتعادل اقتصادی و وجود تنگناها در برخی از بخشهای اقتصادی:

ممکن است تورم معلول توسعه زیاده از حد برخی از بخشهای اقتصادی از جمله بخش خدمات باشد زیرا اشتغال زیاده از حد و لزوم در رشته مزبور که در آن افزایش بهره‌وری به آسانی میسر نیست بجای اینکه عرضه کالاها را افزایش دهد ایجاد تقاضا برای آنها مینماید و در نتیجه کالاها را مصرفی افزایش خواهد یافت. در کشور فرانسه در ۵ سال اخیر خدمات بیشتر از صنعت و صنعت بیشتر از کشاورزی توسعه یافته و در نتیجه بر سهم خدمات در درآمد ملی هرروز افزوده میگردد و در اکثر کشورهای صنعتی امروز ارزش خدمات نصف ارزش درآمد ملی را تشکیل میدهد.

به افزایش سریع مصرف آنها رو به اتمام است و نیز کشور ژاپن از ابتدا در تامین مواد اساسی به خارج متکی بوده است. کشور های اروپائی نیز در حال حاضر برای تامین نفت واکثر مواد اولیه معدنی به خارج وابستگی شدید دارند. ممالک متحده آمریکا که تا این اواخر از جمله کشورهای صادر کننده مواد اساسی بود در سال ۱۹۷۰ حدود ۸ میلیارد دلار مواد اولیه از خارج وارد کرده است پیش بینی میشود این کشور در سال ۱۹۸۵ نیمی از مواد نفتی و گاز و ۱۳ قلم مواد اساسی مانند آهن و آلومینیوم و قلع مورد نیاز خود را از خارج وارد کند بالتجربه در این سال ارزش واردات مواد اساسی ممالک متحده آمریکا به قیمتهای ثابت به حدود ۳۱ میلیارد دلار خواهد رسید.



برخی از کشورهای صنعتی از جمله شوروی و کانادا و استرالیا دارای ذخایر نسبتاً قابل توجه مواد معدنی و سوخت هستند ولی قسمت عمده ذخایر مواد اساسی و سوخت در کشور های غیر صنعتی قرار داد مثلاً قسمت عمده ذخایر نفت در ۱۱ کشور عضو اوپک و مس در چهار کشور شیلی و پرو و زامبیا و زئیر ۷۰٪ قلع در سه کشور مالزی و بلیوی و تایلند و بیش از نصف ذخایر نیکل در کوبا و کالادونی و قسمت عمده ذخایر سرب

همچنین در پاره‌ای موارد ممکن است بوجود آمدن تنگناها در برخی از بخشهای اقتصادی از قبیل ساختمان ناشی از کمبود عرضه بعضی دیگر از عوامل تولید از قبیل مواد اولیه و یا ماشین آلات و یا نیروی انسانی متخصص باشد در این صورت برای رفع کمبودهای مذکور باید پوسایل مقتضی اقدام و بهیچ وجه سیاست پولی و مالی و یا درآمدها نمیتواند این مشکل را رفع کند در غیر این صورت تورم در رشته‌های مذکور پدیدار گردیده و سپس بسایر رشته‌ها سرایت خواهد کرد.

۴ - افزایش قیمت اساسی ( مواد اولیه و محصولات کشاورزی ) و علل آن :

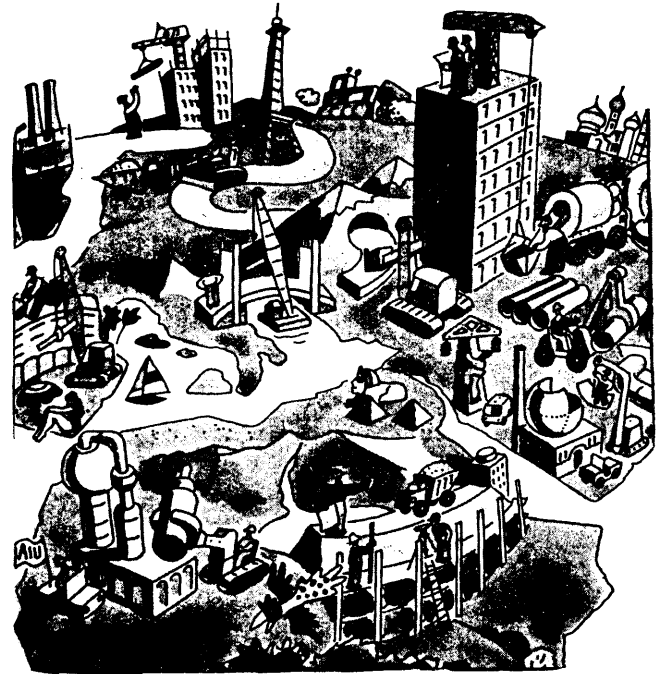
قیمت برخی از مواد اساسی در دو سال اخیر ۱۰۰٪ و حتی در پاره‌ای موارد ۳۰۰٪ افزایش یافت از جمله قیمت گندم ۸۵٪ پشم ۱۰۰٪ بالا رفت و نیز عرضه برخی از محصولات مانند سیمان بقدری کم شده است که خریداری آنها در بازار های جهانی به هر قیمتی میسر نیست. به طور متوسط طی سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ قیمت مواد اولیه سالانه ۲۰٪ و محصولات کشاورزی ۲۴٪ و هزینه کرایه حمل بیش از ۲۰٪ افزایش یافته است. طبق شاخص Reuter شاخص قیمتهای ۱۷ قلم از مهمترین مواد اساسی از رقم ۵۰۹ در پائیز سال ۱۹۷۱ به رقم ۱۴۲۲ در ماه مارس سال ۱۹۷۴ رسیده است یعنی قیمت کالاهای مذکور در مدت ۲۵ سال ۳ برابر گشته است.

علل افزایش قیمت مواد اساسی : بطور کلی میتوان گفت افزایش سریع رشد اقتصادی در کشورهای صنعتی و افزایش جمعیت جهان و کمبود عرضه و نامعلومی وضع سیستم پولی جهانی و سلب اعتماد عمومی از پولهای جهان از قبیل دلار و لیره از عمده ترین علل افزایش بی سابقه قیمت مواد اساسی است که ما ذیلاً به اختصار آنها را مورد بررسی قرار میدهم :

اول - افزایش سطح مصرف در کشورهای ثروتمند و افزایش جمعیت در کشورهای کم توسعه یافته: در ۲۰ سال اخیر حجم فعالیت اقتصادی جهان از ۱۰۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۵۰ به ۳۰۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ رسیده است یعنی در مدت ۲۰ سال ۳ برابر شده است. علت افزایش فوق العاده فعالیت اقتصادی جهان در مدت مذکور در درجه اول بالا رفتن سطح مصرف در کشورهای ثروتمند صنعتی جهان غرب و در درجه دوم افزایش جمعیت جهان بخصوص جمعیت کشورهای فقیر است. نتیجه منطقی توسعه مداوم فعالیت اقتصادی در کشور های صنعتی، تشدید نیاز به وجود تعدادی منابع طبیعی اساسی و آب شیرین کافی و مواد غذایی و پروتئین دریائی و محصولات جنگلی و انرژی و قدرت جذب محصولات صنعتی و مصرفی است. در حالیکه منابع کشورهای صنعتی جهان غرب با توجه

در مکزیک و پرو و استرالیا است .  
برخلاف گذشته در آینده توسعه مصرف کشورهای صنعتی  
بمنفع جهان سوم نمیشد .

در گذشته چنین توجیه میشد که توسعه سریع فعالیت  
اقتصادی و افزایش مداوم مصرف در کشورهای صنعتی ثروتمند  
بمنفع کشورهای در حال توسعه است زیرا این امر موجب افزایش  
صادرات و بالارفتن سطح فعالیت کشورهای مزبور میشود . این  
نظریه مبتنی بر این فرض بود که ذخایر مواد اساسی در جهان  
نامحدود است و حال اینکه امروز مسلم شده است ذخایر نیرو  
از جمله نفت و زغال سنگ و مواد معدنی محدود است و در صورتی  
که سطح مصرف جهانی براساس روند فعلی بالا رود، جهان در



اواخر قرن حاضر درپاره‌ای موارد با فقدان کامل مواد اساسی  
و بعضاً با کمبود آن مواجه خواهد گشت بدین ترتیب، وقتی ذخایر  
منابع اساسی محدود فرض شود دیگر بحث افزایش تولید مواد  
اساسی مطرح نیست، بلکه مساله اساسی توزیع عادلانه منابع معدنی  
و نیرو بین کشورهای جهان است . عدالت ایجاب میکند برای  
پیشگیری از بروز کمیابی مواد اساسی در سطح جهانی رشد  
کشورهای ثروتمند کندتر و برعکس رشد کشورهای فقیر تسریع  
شود زیرا در بیست سال آینده هر گاه فرضاً سطح مصرف در ممالک

متحدہ آمریکا در سطح کنونی متوقف بشود و برعکس رشد  
اقتصادی کشورهای در حال توسعه سریعاً افزایش یابد مسلماتح  
زندگی مصرف دو میلیارد بشر ساکن کشورهای در حال توسعه  
نمی‌تواند به سطح زندگی و مصرف فعلی اهالی ممالک متحدہ  
آمریکا برسد . برای تأمین این منظور به اندازه کافی نفت و  
آهن و پروتئین در جهان وجود ندارد از اینرو امروز در کشور  
های در حال توسعه این سؤال مطرح شده است که آیا ممالک  
متحدہ آمریکا با داشتن ۶٪ جمعیت جهان حق دارد ۴۰٪ انرژی  
و مواد معدنی جهان را مصرف کند ؟ بخصوص با توجه باینکه  
مصرف دائم‌التراید به تنهایی قادر نیست حتی برای اهالی خود  
آمریکا رفاه و سعادت و خوشبختی واقعی به بار آورد .

کشورهای در حال توسعه فعلاً در نظر دارند در سیاست  
صادرات نفت و مواد اساسی خود تغییرات بنیادی بدهند و بجای  
افزایش حجم صادرات واز بین بردن ذخایر خود در مدت کوتاه  
در روابط خود با کشورهای صنعتی رابطه مبادله بازرگانی را به  
نفع خویش بهبود بخشند . بخصوص موفقیت اخیر کشور های  
تولید کننده نفت در بالا بردن قیمت نفت موجب شده است  
کشورهائیکه کنترل قسمت عمده هر یک از مواد اساسی از قبیل مس  
و سرب و غیره را در دست دارند با تشکیل اتحادیه‌ها تغییرات  
اساسی در رابطه خود با کشورهای صنعتی داده و شرایط معامله را بر اساس  
اصول صحیح و عادلانه تر قرار دهند. بعلاوه کشورهای در حال توسعه  
در نظر دارند مواد اولیه را در داخل کشور خود به محصولات  
صنعتی تبدیل نمایند و سپس آنرا صادر کنند .

در مورد مواد پروتئین دریائی نیز در ده سال اخیر  
مصرف آن سالانه بیش از ۵٪ افزایش یافته است و چون این  
میزان افزایش زیادتر از حد اکثر میزان بهره‌برداری اقتصادی  
است لذا این امر سبب کاهش ماهیهای خوراکی موجود دریاها  
شده است چنانکه رقابت و اختلافات شدید بین کشورها از جمله  
کشور انگلستان و ایسلند و آمریکا و شوروی در بهره‌برداری از  
منابع ماهی خوراکی دریاها بوجود آورده است در حالیکه هنوز  
مقررات بین‌المللی عادلانه‌یی برای اینکه کلیه کشورها به‌طور  
صحیح و منطقی از منابع دریاها استفاده کنند تنظیم نشده است  
تا بموقع اجرا گذاشته شود .

مساله کمبود آب شیرین نیز یکی دیگر از مشکلات جهان  
در سالهای آینده است ، طبق برآورد سازمان جهانی خواربار و  
کشاورزی F. A. O. با افزایش مصرف براساس روند فعلی در  
پایان قرن حاضر ۲۴۰٪ بر مصرف آب شیرین افزوده خواهد  
گشت همین امر نیز سبب اختلافات شدید بین کشورها در مصرف  
آب رودخانه‌ها گشته است .

همچنین مصرف زیاد از حد مواد مولد انرژی و منابع

کشاورزی معدنی علاوه بر اینکه موجب از بین رفتن جنگلها و انواع حیوانات زمینی و دریائی و نباتات و کمیاب شدن پاره‌ئی از مواد اولیه و منابع انرژی گشته ، سبب شده است دریاچه‌ها و رودخانه‌ها آلوده شود و امراض افزایش یابد و بطور کلی محیط آلوده و برای زیست انسانی نامناسب شود درپاره‌ئی از کشورها از جمله اتازونی و ژاپن چون قدرت جذب فضولات صناعی که سبب آلودگی آب و هوا میشود به حدنصاب رسیده است از اینرو برای جلوگیری از آلودگی محیط مقررآت سنگین وضع شده است که چون موجب افزایش هزینه تولید میشود شرکتها و موسسات تصمیم دارند آن قسمت از فعالیتهای خود را که آلودگی محیط را باعث میشود به کشورهای فقیر منتقل نمایند اینان میخواهند همانطور که در گذشته از نیروی کار فراوان و ارزان کشورهای مزبور برای کاهش هزینه تولید استفاده میکردند در آینده نیز از قدرت محیط آنها در جذب فضولات و ضایعات صنعتی خود استفاده نمایند . با توجه به مطالب فوق روشن میشود محدودیت ذخایر مواد اساسی و کمبود مواد اولیه در جهان یکی از مهمترین عوامل بلند مدت افزایش قیمتها است. معمولا کشورهای ثروتمند افزایش جمعیت کشورهای در حال توسعه را و کشورهای فقیر افزایش مصرف کشورهای ثروتمند را علت این وضع نامطلوب میدانند . بنظر میرسد هر دو عامل فوق موثر است ولی عامل افزایش مصرف نقش اول را در این زمینه دارد . برای رفع این مشکل بزرگ بایستی افزایش مصرف کشورهای صنعتی وهم رشد جمعیت کشورهای فقیر محدود شود و هر گاه سطح مصرف جهانی براساس روند فعلی بالا رود در سالهای آخر قرن حاضر فعالیت اقتصادی جهان از ۳۰۰۰ میلیارد دلار به ۹۰۰۰ میلیارد دلار میرسد همین امر به تنهایی سبب فقدان تعداد زیادی از مواد اساسی ضروری در جهان خواهد گشت .

۵ - عدم اعتماد به سیستم متزلزل پولی جهانی - عدم اعتماد عمومی نسبت به پولهای جهانروا و وجود مبالغ هنگفت ذخایر دلار و لیره و فرانک و غیره نزد مقامات پولی کشورها و افراد و مؤسسات و نگرانی از کاهش مجدد ارزش آنها سبب شده است در سالهای اخیر سرمایه گذاران و صاحبان ذخایر پولی برای حفظ ارزش دارائیهای خود موجودیهای دلار و لیره و فرانک و مارک و سایر پولهای خود را به مصرف اشیائی از قبیل زمین ، طلا و لوازم هنری و عتیقه و مواد اولیه و حتی محصولات کشاورزی دارای ارزش ذاتی برسانند . چنانکه افزایش قیمت طلا از ۸۹ دلار هر اونس به ۱۸۹ دلار طی مدت کمتر از یک سال به علت همین عامل بوده است . اسپکولاسیون در مورد گندم

و شکر و مس و چوب و حتی سیب زمینی سبب شده است قیمت مواد مذکور از اواخر سال ۱۹۷۱ تا کنون به بیش از ۳ برابر افزایش یابد . در سال گذشته نمایندگان مؤسسات دولتی و غیر دولتی کشور ژاپن در بازارهای جهانی برای رهائی از موجودیهای ارزی خود مواد اولیه معدنی و کشاورزی را بی توجه به قیمت آن به مقداری بسیار زیاد خریداری نمود که همین اقدام ژاپن یکی از علل عمده افزایش قیمت مواد مزبور در سال گذشته دانسته شده است .

به نظر میرسد تا موقعیکه يك سیستم پولی صحیح بین المللی با ذخایر پولی که مورد اطمینان کلیه کشورها باشد به وجود نیاید بورس بازی در خرید مواد اساسی ادامه یابد و افزایش قیمت آن را باعث شود .

۶ - افزایش هزینه تکنولوژی و تبلیغ مؤسسات : در عصر حاضر علم تبدیل به تکنولوژی گردیده و عملا از آن برای ایجاد تغییرات در اشیاء استفاده میشود و فاصله زمانی بین اختراع و بکار بردن آن در تولید کوتاهتر گردیده بالنتیجه هزینه تکنولوژی فوق العاده افزایش یافته و کالاهای زود تغییر و از ارزش میافتند و همین عامل باضافه افزایش فوق العاده هزینه تبلیغ برای فروش کالا که کالا در قیمت کالاهای و خدمات منعکس میشود یکی از عوامل مؤثر در تداوم تورم محسوب میگردد .

۷ - علل اجتماعی و سیاسی تورم - برای فهم تورم جدید علاوه بر جنبه‌های اقتصادی فوق باید جنبه‌های اجتماعی و سیاسی اجتماعات جدید را نیز بررسی کرد . در اجتماعات امروز کشورهای صنعتی غرب که دارای حکومت پارلمانی میباشند برقراری اشتغال کامل و توزیع عادلانه درآمد و تامین حداقل سطح زندگی مناسب انسانی برای همه از مسئولیتهای دولت است و وجود فقر و بیکاری زیاده از حد قابل قبول نیست . از اینرو پاره‌ای از اقتصاددانان تورم امروز را مظاهر اجتماعات دموکراسی غربی با اقتصاد تکنولوژی پیشرفته میدانند و آنها عقیده دارند تورم فعلی نشانه يك منطق اقتصاد جدید است که مرحله تامین اجتماعی را پشت سر گذاشته و بمرحله تامین اقتصادی از طریق برقراری اشتغال کامل و تامین حداقل درآمد برای عموم رسیده است .

در منطق جدید اقتصادی مبارزه مداوم بین نیروهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی برای مطالبه سهم بیشتر از درآمد ملی وجود دارد . میزان اشتغال در چنین اجتماعاتی ارتباط بمیزان تولید نداشته بلکه میزان تولید وابسته بمیزان اشتغال دارد . عبارت دیگر نیروی کار هم در سطح مؤسسه و هم در سطح کشورها ثابت است و در نتیجه ارتباط فرد با بازار کار از بین رفته و



رکود و تورم در کنار هم وجود دارد و دولت‌ها برای اینکه آراء خود را در انتخابات پارلمانی از دست ندهند قادر نیستند اقدامات اساسی برای برطرف کردن تورم بعمل آورند .

پاره‌ای از کارشناسان حتی عقیده دارند که عوامل اجتماعی دیگر از جمله افزایش میزان جنایت در اجتماع و کاهش اهمیت زندگی فامیلی و عقب نشینی مذهب و از بین رفتن اهمیت ارزش کار و دیسپلین و احترام بمافوق و مصرف مخدرات و زیاده‌روی در سکس از طرف جوانان و کارگران را میتوان از جمله عوامل تورم و اوضاع نابسامان اقتصادی کشورهای غرب محسوب داشت .

### اثرات تورم مداوم

تورم شدید و مداوم دارای اثرات نامطلوب اقتصادی و اجتماعی میباشد که مهمترین آنها باختصار ذیلا بیان میشود .

الف - بروز بیماری روانی تورم - افزایش شدید قیمت‌ها سبب بروز بیماری روانی تورم میگردد زیرا با پیدایش این حالت روحی در مردم داشتن و نگهداری پول امری بیهوده جلوه میکند و برعکس خرید و تصاحب کالاها مورد توجه واقع میشود و همین امر تورم را تشدید میکند . تجارخانه‌ها کالاها را انبار کرده و خرده فروشها کالاها را مصرفی از قبیل قند و شکر و آرد را بامید افزایش قیمت احتکار مینمایند و مصرف کنندگان نیز هرچه بدست آنها بیافتد بهر قیمت شده میخرند و اگر هم پول نداشته باشند از تسهیلات اعتباری بانکی برای این منظور استفاده خواهند کرد . بعلاوه سرمایه‌گذاری تولیدی و دراز مدت دلسرد گردیده برعکس اسپکولاسیون و بورس‌بازی رواج پیدا کرده و بنابراین تورم تشدید خواهد شد .

ب - پول‌اهمیت خود را بعنوان ذخیره ارزش و واحد محاسباتی از دست میدهد . در دوران تورم قیمت‌ها در بخشهای مختلف بیک تناسب بالا نمیرود و بیشتر تقاضا متمرکز در برخی از بخشهای اقتصادی میگردد و در نتیجه در ساختمان درآمدها و هزینه و ترکیب آنها تغییرات فاحشی بوجود میآید . اقتصاددانان عقیده دارند پول در اقتصاد سه وظیفه عمده بعهده دارد که عبارت است از :

وسيله مبادله - ذخيره ارزشی - واحد محاسبات .  
پول در دوران تورم مداوم تلحدودی قادر است نقش اول را ایفاء کند ولی برای انجام دو وظیفه دیگر مفهوم خود را از دست میدهد . ذیلا باختصار به نقش سه‌گانه پول در حالت تورم اشاره میشود :

نقش پول بعنوان وسیله مبادله - مردم در دوران تورم برای انجام معاملات يك مقدار وجه نقد نزد خود و یا در

حساب جاری نزد بانکهها نگهداری مینمایند ولی آنها بیشتر آماده قرض گرفتن میباشد تا قرض دادن زیرا با نرخ بهره ثابت، وام دادن و یا خرید اوراق قرضه دولتی و بخش خصوصی با در نظر گرفتن کاهش ارزش پول ضرر خواهد داشت نه فایده .

ذخیره ارزش - در دوران تورم مداوم پس‌انداز مردم کاهش مییابد زیرا معمولاً نرخ بهره پرداختی بانکهها کمتر از درصد افزایش قیمت‌هاست و چون در این صورت نرخ بهره منفی است پس‌انداز کنندگان بجای استفاده ضرر خواهند کرد . همچنین خرید سهام که در سابق تصور میشد برای حفظ دارائی اشخاص در مقابل تورم مفید است تجربه دو سال اخیر ثابت کرد که این نظریه صحیح نیست زیرا ارزش سهام در سال ۱۹۷۴ در بورسهای نیویورک و لندن به نصف قیمت اصلی آنها و با احتساب تورم به ثلث قیمت حقیقی آنها در سال ۷۱ تنزل یافته است . تنزل ارزش سهام به موسسات بازنشستگی و سرمایه‌گذاری و شرکتهای بیمه که قسمت عمده سرمایه آنها بصورت سهام موسسات صنعتی است لطمه فراوان وارد کرده است .

واحد محاسباتی - قراردادهای طویل‌مدت اقتصادی و مالی و همچنین محاسبه میزان استهلاك و ذخایر و سود موسسات تولیدی نیاز به يك واحد محاسباتی ثابت دارد و هرگاه تورم شدید و مدت آن طولانی باشد دیگر نمیتوان از پول برای این منظور استفاده کرد .

مثلا هرگاه شرکتی در یکسال ۱۰ درصد سود اسمی داشته باشد و قیمت‌ها ۲۰ درصد افزایش یابد شرکت سود حقیقی نداشته ۱۰ درصد هم ضرر کرده است و نایستی مالیات پرداخت کند و حال آنکه هرگاه پول مبنای محاسبات باشد این شرکت چون سود برده بایستی مالیات بپردازد .

امروز اکثر علمای اقتصاد از جمله فریدمن عقیده دارند، تنها بوسیله اصلاح پولی میتوان اثرات ناگوار اجتماعی ، اقتصادی تورم مداوم را برطرف کرد زیرا در حال حاضر افراد و موسسات بدون اینکه درآمد واقعی‌شان افزایش یابد براساس افزایش درآمد پولی ناچارند مالیات بیشتر دهند و مالیات براساس تورم پس‌انداز کننده را تنبیه و دلسرد نموده و امکان حفظ ارزش سرمایه و تشکیل سرمایه جدید را غیر ممکن میسازد و شرکتهای را بسوی ورشکستگی سوق میدهد و میتوان گفت که همین امر یکی از علل اصلی تنزل ارزش سهام و ورشکستگی موسسات و گرایش اقتصاد کشورهای صنعتی بسوی رکود بوده است . همچنین در دوران تورم افراد و کارمندان بدون اینکه درآمد واقعی‌شان افزایش یابد در سطح بالای مالیات در سیستم مالیاتهای تصاعدی قرار میگیرند و پس‌انداز کنندگان کوچک با ۲۰ الی ۲۵

درصد تورم حتی قادر نیستند معادل نصف کاهش ارزش پول خود از بانکها بهره دریافت کنند و بانکها فقط وسیله برای تهیه پول ارزان برای دولت میباشند .

طبق عقیده اقتصاددانان مذکور در بخشهای اقتصادی که بایستی براساس شاخص هزینه زندگی تصحیح پولی صورت گیرد عبارت است از : حقوق و بازنشستگی - محاسبه مالیات بردرآمد و مالیات برارزش افزوده و سرمایه و دارائیهها و وامهای رهنی و اوراق قرضه دولتی و خصوصی و محاسبه استهلاکات و سود موسسات اقتصادی .

در سالهای اخیر بعضی از کشورها بعد از ناامید شدن از مقابله با تورم آنرا بعنوان پدیده نامطلوب ولی اجتناب ناپذیر قبول نموده و کوشش بعمل آورده اند تا آثار نامطلوب تورم را از طریق تصحیح پولی خنثی نمایند . در این مورد، تجربه کشور برزیل جالب توجه است . در این کشور تورم بعنوان پدیده عادی پذیرفته شده و سپس کوشش بعمل آمده است تا کلیه شئون اقتصادی کشور بر آن اساس تعدیل شود مثلاً در سال ۷۳ برای جبران زیان طبقاتی از مردم که از تورم زیان دیده بودند به پس انداز کنندگان علاوه بر بهره عادی ۱۳ در صد بعنوان جبران قدرت خرید پول و همچنین به بستانکاران مبالغی بابت ترمیم ضرر تورم پرداخت گشت و برحقوق کارمندان و کارگران بخش دولتی و خصوصی مبالغی براساس افزایش شاخص هزینه زندگی افزوده گشت و جای شگفتی است که این روش نتیجه مثبت داده و از شدت تورم نیز کاست .

در سایر کشورها نیز از جمله انگلستان اخیراً از طرف مقامات اقتصادی توصیه شده است اقداماتی مشابه برزیل بعمل آید.

**چگونه تورم از کشوری بکشور دیگر سرایت میکند؟**

معمولاً تورم بطریق زیر از کشوری بکشور دیگر منتقل میگردد: افزایش قیمت مواد اولیه و ماشین آلات وارده از خارج موجب میشود هزینه تولید سپس قیمت محصولات داخلی افزایش یابد . همین افزایش کالاهای مصرفی وارده از خارج سبب بالا رفتن سطح عمومی قیمتها در داخل میشود متعاقباً بالا رفتن قیمت کالاهای صادراتی موجب بالا رفتن درآمد صادر کنندگان و افزایش مردها در رشتههای تولیدی صادراتی میشود . سپس این ترقی به سایر بخشها سرایت مینماید و موجب بروز تورم میشود بعلاوه پیش بینی تورم در سایر کشورها از نظر روانی موثر است و موجب میشود که تولید کنندگان قیمت محصولات خود را بعلت بالا رفتن قیمت کالاهای مشابه در خارج افزایش دهند . مزید براینها که یاد شد جریان سرمایهها و تغییرات نرخ ارزها نیز یکی از طرق مهم تسریع تورم از کشورهای بکشور دیگرست مثلاً در سالهای ۷۰ و ۷۱ یکی از علل اصلی بروز تورم در ممالک اروپائی

ورود مبالغ زیاد دلار از ممالک متحده آمریکا باین کشورها بود. نکته قابل توجه است که همه کشورها بیک اندازه از تورم جهانی متأثر نمیشوند بلکه اثر تورم جهانی در اقتصاد یک کشور تا حدود زیادی منوط به وابستگی اقتصاد آن کشور به اقتصاد جهانی است مثلاً تاثیر تورم جهانی در کشورهای ژاپن و هلند که از لحاظ واردات و صادرات بخارج وابستگی زیاد به خارج دارند زیادتر می باشد .

**کلیه کشورهای جهان بیک اندازه از تورم جهانی متضرر نمیشوند :**

همانطوریکه در داخل یک کشور همه طبقات بیک نسبت از تورم متضرر نمیشوند بلکه برخی از طبقات زیان زیادتری می بینند و برخی دیگر طبقات نه فقط متحمل خسارت نمی شوند حتی استفاده هم میکنند ، کشورهای مختلف جهان نیز از تورم بیک نسبت متضرر نمیشوند و حتی ممکن است بعضی از کشورها از تورم جهانی استفاده هم ببرند . مثلاً در تورم اخیر جهانی بعلت افزایش فوق العاده قیمت نفت و برخی از مواد اساسی کشورهای عضو اوپک و کشورهای صادر کننده مواد یاد شده از تورم منتفع شدند . کشور شوروی نیز بعلت اینکه صادر کننده نفت و طلاست و چون قیمت این هردو ماده افزایش قابل توجهی یافته است بر روی هم از افزایش قیمتهای جهانی منتفع شده است . اما کشورهای اروپائی و ژاپن بعلت گران شدن قیمت مواد اساسی و نفت و همچنین به سبب وابستگی زیاد به ورود این قبیل مواد زیادتر از ممالک متحده آمریکا متضرر گشته اند چنانکه همین امر سبب بهبود وضع رقابتی آمریکا در بازارهای جهانی نسبت به شرکاء اصلی بازرگانی خود شده است و در نتیجه وضع دلار که در سالهای قبل نسبت بیولهای عمده اروپائی متزلزل بود بهبود یافت واستحکام پیدا کرد . برعکس برخی از کشورهای در حال توسعه و پرجمعیت مانند هند و پاکستان و بنگلادش بیش از سایر کشورها از تورم جهانی زیان دیده اند زیرا قیمت چای و کنف که مهمترین اقلام صادرات آنها را تشکیل میدهد کمتر از قیمت سایر کالاها افزایش یافته است چنانکه این امر سبب شده است که نه فقط اجرای برنامههای اقتصادی آنها متوقف شود بلکه معلوم نیست این قبیل کشورها چگونه خواهند توانست ارز لازم برای ورود مواد غذایی و نفت را که برای ادامه حیات آنها ضروری است تامین نمایند .

**پیش بینی وضع آینده و راه حلهای ارائه شده :**

بطوریکه قبلاً به تفصیل شرح آن داده شد بعد از جنگ جهانی دوم کشورهای صنعتی جهان غرب برای یک نسل از بزرگترین رونق اقتصادی برخوردار بودند و چند سال است که از تورم شدید رنج میبرند و اخیراً نیز دچار رکود شدید گردیده اند. برخی از اقتصاد دانان عقیده دارند که ممکن است در سالهای آینده

رکود در جهان تشدید گردیده و منتهی به بحرانی بزرگ نظیر بحران ۱۹۳۰ گردد .

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه کشورهای صنعتی غرب (O.E.C.D.) در گزارشی که در پایان سال ۱۹۷۴ منتشر کرد، (جدول اوضاع اقتصادی سال ۷۴ و پیش‌بینی سال ۷۵ پیوست است) پیش‌بینی نموده است که رکود تا پایان سال ۷۶ ادامه خواهد یافت و احتمال دارد رونق بطور اندک در سال ۱۹۷۷ شروع گردد ولی مجدداً امکان دارد تورم شدید بروز کند .

کشورهای غربی اکثراً سعی دارند که تقصیر ناسامانی اوضاع اقتصادی خود را تماماً متوجه افزایش قیمت نفت نمایند در صورتیکه این نظر صحیح نبوده و بطوریکه قبلاً گفته شد عوامل و ریشه‌های تورم ورکود از سالها قبل وجود داشته است و افزایش قیمت نفت تا حدودی آنرا تشدید نموده است . بطور خلاصه میتوان گفت که رشد مداوم و سریع کشورهای صنعتی در ۲۵ سال گذشته بر روی منابع طبیعی نامحدود و ارزان بنا شده است و حالا کشورهای مذکور در مقابل مسئله محدودیت منابع جهان قرار گرفته‌اند زیرا در عصر حاضر در رابطه بشر با محیط زیست تغییرات عمده حاصل شده است و مصرف کالاها در کشور های پیشرفته صنعتی و افزایش در کشورهای در حال توسعه و انتظارات مردم جهان برای برخورداری از مواهب زندگی باچنان

ابعادی افزایش یافته که از حدود امکانات طبیعی و قدرت تولید جهان خارج گردیده است و در نتیجه دیگر بین امکانات تولید و مصرف جهان تعادل منطقی وجود ندارد . اخیراً برخی از علمای طبیعی و زیست شناس و علمای اقتصاد صراحتاً اعلام کرده‌اند که اگر چاره‌ای برای جلوگیری از زیاده روی در مصرف و هدر دادن مواد اساسی جهان توسط کشورهای صنعتی و ممانعت از رشد سریع جمعیت در کشورهای فقیر جهان نشود بشر دچار مصیبت عظیمی در آینده نزدیک خواهد گردید . از جمله عده‌ای از کارشناسان دانشکده M.I.T. امریکا بعنوان کلوب رم مطالعات عمیقی در این زمینه بعمل آورد و با کامپیوتر محاسباتی انجام داد . و نتیجه بررسیهای خود را در کتابی تحت عنوان « حدود رشد اقتصادی » در سال ۱۹۷۲ منتشر نمودند و با ارقام واعداد نشان داده‌اند در صورتیکه فکری برای محدودیت رشد اقتصادی کشور های صنعتی و افزایش جمعیت برخی از کشورهای در حال توسعه نشود دیری نخواهد گذشت که آلودگی محیط و کمبود منابع طبیعی سطح درآمد سرانه را در کشورها کاهش داده و بین‌انسان و محیط زیست وی تعادل را برقرار خواهد کرد .

بنابراین در عصر حاضر مجدداً نظریه مالتوس منتهی بشکل جدید که در آن محدودیت منابع طبیعی جانشین مواد غذایی شده مورد توجه عموم واقع گردیده است .

بیس‌بینی O. E. C. D. (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی کشورهای صنعت غرب)

XX

تورم در سه ماهه چهارم سال ۷۴ نسبت		به سه ماهه چهارم سال قبیل		رشد نسبت به سال قبیل		
۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۴	
میلیارد دلار	میلیارد دلار	%	%	%	%	
۱	۱	۱۰	۱۲	-۲	۳	اتازونی
۷	۴	۱۱	۲۶	۲	-۲	ژاپن
۶	۹	۶	۷	۲	۱	آلمان
۱	۱	۱۱	۱۵	۲	۴	فرانسه
۱	۱	۱۸	۱۷	۱	-	بریتانیا
۱	۱	۱۴	۲۵	-	۴	ایتالیا
۵	۱	۱۱	۱۱	۳	۴	کانادا
۱	۱	۱۱	۱	۱	۱	کل کشورهای
۳۸	۲۷					O.E.C. D

با توجه بمطالب مزبور اخیراً در کشورهای پیشرفته صنعتی افکار عمومی از پرستش مطلق رشد اقتصادی به رفاه عمومی که غیر از رشد است و در آن سالم بودن مسکن و بهبود محیط زیست و جلوگیری از آلودگی آب و هوا و پرورش روحی و فکری انسان بر مصرف کالاهای غیر ضروری که بیشتر جنبه نمایشی دارد اولویت دارد متوجه گردیده است .

در پایان یادآورد میشود که در حال حاضر اقتصاددانان عموماً عقیده دارند که برای رفع بحران اقتصادی کنونی راه حل‌هایی آسان وجود ندارد و برای این منظور به مجاهدت همه جانبه با همکاری کلیه کشورهای جهان برای ازدیاد محصولات غذایی و برقراری روشهای صحیح برای استفاده منطقی از منابع طبیعی همراه با صرفه‌جوئی و بازسازی آن با شرکت کلیه کشور های تولید کننده و مصرف کننده و تعیین ضوابط صحیح برای تعیین قیمت‌های نسبی کالاهای اساسی و صنعتی و تعیین هدف رفاه بجای رشد برای فعالیت اقتصادی بخصوص در کشورهای صنعتی و جلوگیری از افزایش سریع جمعیت جهان و برقراری یک نظام پولی و بازرگانی متناسب و صحیح ضروری میباشد .

#### منابع :

1. The economist, 28 December - January, 1975.
2. News Week, January 1975.
3. Problems economiques, 4 December, 1974.
4. Samuelson economies, ninth edition, 1973, chap. 41, page 823.
5. O . E. C. D. E. Annual Report of 1974.
6. The limits of growth, 1972.  
by Dennis Meadows and other members of club of Rome.

